

## ■ چالش‌های زیست محیطی در نظام حکومتی استرالیا

فرهاد طلایی

صلاحیت‌های قانونی ویژه‌ای دارد، این صلاحیت‌ها وسیع و جامع نیست و به چارچوب قانون اساسی استرالیا محدود می‌شود. در مقابل، صلاحیت‌های قابل توجهی به دولت‌های ایالتی داده شده‌است. یکی از مشکلات اساسی نظام فدرال، تصمیم‌گیری در مواردی است که دولت فدرال و دولت‌های ایالتی منافع خاص خویش را داشته باشد و هر یک سعی در استفاده از قدرت‌های قانونی خود کند. این مشکلات زمانی روند پیچیده‌تری به خود می‌گیرد که توافق و سیاست متوازنی میان دولت فدرال

پیش نوشتار

استرالیا کشوری است که نظام حکومتی آن نظام فدرالی است.<sup>۱</sup> اساس این نظام بر مصوبه سال ۱۹۰۰ میلادی قانون اساسی استرالیا<sup>۲</sup> استوار است. چنین نظامی در عمل در سال ۱۹۰۱ میلادی شکل گرفت و در این سال استرالیا دارای قانون اساسی شد. در نظام حکومتی فدرال، اصل بر توزیع قدرت میان سطوح مختلف دولتی است و نظام حکومتی به ترتیب شامل دولت فدرال، دولت‌های ایالتی و سرزمینی<sup>۳</sup> و دولت‌های محلی است.

قانون اساسی استرالیا وظایف هر یک از قدرت‌های قسانونگذاری و اجرایی دولت‌های فدرال و ایالتی را مشخص کرده است. اگرچه در قانون اساسی این کشور ذکر صریحی از دولت‌های محلی نشده است، ولی دولت‌های محلی به طور سنتی و عرفی، اختیارات خاص خود را اجرا می‌کند. با وجود آن‌که دولت فدرال، دولت مرکزی،

۱. استرالیا فدراسیونی تشکیل یافته از شش دولت ایالتی، دو دولت سرزمینی و یک دولت فدرال است. دولت‌های ایالتی عبارتند از: نیوساوت ولز (New South Wales)، کوئینزلند (Queensland)، ویکتوریا (Victoria)، تاسمانیا (Tasmania)، استرالیای جنوبی و استرالیای غربی. دولت‌های سرزمینی نیز شامل سرزمین شمالی و سرزمین مرکزی استرالیا می‌شود.

۲. در این مقاله منظور از «قانون اساسی»، قانون اساسی استرالیا است.

۳. در این مقاله اشاره به دولت‌های ایالتی شامل دولت‌های سرزمینی نیز می‌شود.

## نگاه‌رو

می‌رسد که در زمان تدوین قانون اساسی این کشور در سال ۱۹۰۰ میلادی، مسائل زیست‌محیطی اهمیت اساسی در ذهن طراحان این قانون نداشته و به همین دلیل اشاره‌ای به محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی نشده است.<sup>۴</sup>

۴. به دلیل عدم وجود توازن در سیاست‌های زیست‌محیطی است که گاهی بیان می‌شود، فدرالیسم نتایج منفی برای محیط‌زیست به همراه داشته است. اگرچه ابراز می‌شود که فدرالیسم می‌تواند مزایای مثبتی را برای اداره محیط زیست داشته باشد.

Kellow, Aynaley, "Natural Resources Decision Makers in the Australian Federation: Who? What? When and How Well?", The First National Conference on Natural Resources Decision Making in a Federal System, University of Wollongong, 16-17 November, 1995, p.5.

۵. وزیر محیط زیست استرالیا در سخنرانی خود در اولین کنفرانس ملی تصمیم‌گیری راجع به منابع طبیعی در یک نظامی فدرال که در تاریخ ۱۶، ۱۷ نوامبر ۱۹۹۵ میلادی در دانشگاه ولنگنگ برگزار شد، به صدماتی که در طول ۲۰۰ سال استقرار اروپاییان در استرالیا به محیط زیست این کشور وارد شده است، اشاره کرد و بر اجرای سیاست زیست محیطی در چارچوب «توسعه پایدار» کولوژیکی تأکید ورزید.

Faulkner, John (Australian Minister for the Environment, Sport and Territories), "Protecting the Environment- An Investment in the Future" The first National Conference on Natural Resources Decision- Making in a Federal System University of Wollongong 16-17 November 1995, p.1.

۶. برخی از اقدامات به منظور درج محیط زیست در قانون اساسی استرالیا صورت گرفته که تا کنون به نتیجه نرسیده است. برای مثال در سال ۱۹۸۸ میلادی، طرفداران حمایت از محیط‌زیست و انجمن ملی حقوق محیط زیست تلاشی در جهت اصلاح قانون اساسی استرالیا کردند تا موضوع محیط‌زیست (در چارچوب اختیارات دولت فدرال) برای درج در قانون اساسی به همه‌پرسی گذاشته شود که در نهایت از سوی کمیسیون قانون اساسی استرالیا رد شد.

Bates, Gerry, Environmental Law in Australia, Butterworths, Sydney, 1995, P.77.

و دولت‌های ایالتی موجود نباشد.<sup>۶</sup> نظام فدرال استرالیا در خلال سال‌های اخیر در اثر وقوع آتش‌سوزی‌های جنگلی که یا به طور طبیعی یا در نتیجه قصور انسان رخ داده و نیز از وارد شدن آسیب به «لایه اوزن»، از دست رفتن برخی گونه‌های جانوری و گیاهی، تخریب و فرسایش زمین‌ها و آلودگی آب، صدمات قابل توجه زیست محیطی به خود دیده است.<sup>۵</sup> بدین لحاظ منطقی نیست که با پراکندگی در تصمیم‌گیری و تعیین معیارهای متفاوت در حمایت از محیط زیست، موجبات ورود صدماتی دیگر به محیط زیست فراهم شود. در این جهت کوشش‌هایی برای اتحاد نظر و وحدت تصمیم‌گیری در زمینه حمایت یکسان از محیط زیست و مدیریت یکنواخت منابع طبیعی صورت گرفته است. از جمله نتایج حاصل از این کوشش‌ها تأسیس «شورای ملی حمایت از محیط‌زیست» است تا یکنواختی در رویه‌ها، قواعد و مقررات حمایت از محیط‌زیست به وجود آید.

### ۱ - تعدد مراکز تصمیم‌گیری در مورد مسائل زیست محیطی

در قانون اساسی استرالیا بر وجود مقام صلاحیتداری که قوانین زیست محیطی را وضع کند و رسیدگی به مسائل مربوط به محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی را بر عهده بگیرد تصریح نشده است. به نظر



این اقدامات دولت فدرال بر اساس قسمت (۲۹) ۵۱ قانون اساسی - که رسیدگی به امور خارجی را از صلاحیت‌های دولت فدرال می‌داند - است و پارلمان دولت فدرال را مجاز به وضع قوانینی در این مورد، از جمله انتقال مفاد قراردادهای بین‌المللی (برای مثال راجع به مسائل زیست‌محیطی و منابع طبیعی) به قوانین داخلی می‌داند. به ویژه انعقاد قراردادهای بین‌المللی و عضویت در معاهدات جهانی به طور معمول، تعهدات و الزامات حقوقی را برای دولت‌ها به وجود می‌آورد. از این نظر، دولت فدرال استرالیا نیز در تلاش برای اجرای تعهدات و الزامات حقوقی ناشی از قراردادهای مربوط به محیط زیست و منابع طبیعی است تا بدین ترتیب در معرض مسئولیت بین‌المللی ناشی از عدم اجرای مفاد قراردادهای مزبور قرار نگیرد. نمونه‌هایی از این قراردادها عبارت است از: قرارداد در مورد حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (۱۹۷۲)،<sup>۱۰</sup> قرارداد منع تجارت بین‌المللی گونه‌های حیات وحش گیاهی و جانوری در خطر

۷. قانون اساسی به فصل، بخش و قسمت تقسیم می‌شود و برخی قسمت‌ها نیز زیر قسمت‌هایی دارند.

۸. منبع شماره ۶ ص ۷۶.

۹. در زمینه طبیعی واقع در سرزمین‌های ایالتی، توافق‌نامه‌هایی میان آنها به موجب قراردادهای مستعده در زمینه اداره این منابع طبیعی موجود بوده است. از جمله این قراردادها، قرارداد رودخانه‌های مرزی میان ایالت‌های کوئینزلند (Queensland) و نیوساوت ولز (New South Wales) و قرارداد راجع به آب‌های زیرزمینی میان ایالت‌های ویکتوریا (Victoria) و استرالیا جنوبی است. منبع شماره ۲ ص ۳.

10. Convention on the World Cultural and Natural Heritage (1972).

قسمت ۵۱ قانون اساسی استرالیا<sup>۷</sup> به صراحت، موضوعاتی را که دولت فدرال صلاحیت قانونگذاری در مورد آنها را دارد بیان کرده است، ولی در میان این موضوعات اشاره‌ای به محیط زیست نشده است. از آنجا که موضوع محیط زیست در میان موضوعات تحت صلاحیت قانونگذاری دولت فدرال نیامده است، دولت‌های ایالتی حق وضع قوانین در زمینه حمایت از محیط زیست، اداره آن و مدیریت منابع طبیعی داشته‌اند.

از نظر تاریخی، مسئولیت تصمیم‌گیری در مورد حمایت از محیط زیست و استفاده از زمین‌ها، در اختیار دولت‌های ایالتی گذاشته شده است.<sup>۸</sup> همچنین اداره جنگل‌ها در صلاحیت دولت‌های ایالتی قرار گرفته است و این دولت‌ها اطلاعات لازم برای اداره جنگل‌ها و منابع طبیعی دارند. هر یک از دولت‌های ایالتی نیز معیارهای خود را برای محیط زیست تدوین کرده و چنین معیارهایی از یک دولت ایالتی تا دولت ایالتی دیگر متغیر بوده است. هر دولت ایالتی سیاست زیست‌محیطی خود را دارد و به منظور دستیابی به منابع مالی و تأمین بودجه، اولویت‌های زیست‌محیطی دولت‌های ایالتی، بسته به وضعیت اقتصادی و مالی آنها متفاوت بوده است.<sup>۹</sup> در این میان نقش دولت فدرال در مسائل زیست‌محیطی مدت‌ها مورد بحث بود. این موضوع به ویژه از آن جهت حساس است که دولت فدرال تسعدها قابل توجهی قرارداد و معاهده بین‌المللی در مورد محیط‌زیست و منابع طبیعی امضا و تصویب کرده است.

## نگاه روز

قانون اساسی در قسمت ۵۲، به صلاحیت‌های ویژه دولت فدرال - که شامل قسمت ۵۱ نیز می‌شود - اشاره می‌کند، صلاحیت قانونگذاری در زمینه محیط زیست و منابع طبیعی همچون مسائل دیگری مانند امور آموزشی و امور راه‌ها و جاده‌ها به دولت فدرال واگذار نشده است. از این رو، تا مدت‌ها این نظر مطرح بوده است که دولت فدرال اختیار قانونگذاری و اجرایی در مورد محیط زیست و منابع طبیعی ندارد و بنابراین نمی‌تواند سیاست‌های زیست‌محیطی خود را به دولت‌های ایالتی تحمیل کند. همچنین دولت‌های محلی نیز سیاست‌های زیست‌محیطی خود را در حوزه‌های تحت صلاحیتشان اجرا کرده‌اند، اگرچه دولت‌های ایالتی در برخی موارد، اجرای برنامه‌های زیست‌محیطی خود را پیش‌شرط اعطای کمک‌های مالی به دولت‌های محلی قرار داده‌اند. با توجه به آنچه ذکر شد، روشن می‌شود

انقراض (۱۹۷۳)،<sup>۱۱</sup> قرارداد حفظ منابع جاندار دریایی قطب جنوب (۱۹۸۰)<sup>۱۲</sup>، «قرارداد وین» راجع به حمایت از لایه آزون (۱۹۸۵)<sup>۱۳</sup> و «قرارداد بازل» در مورد کنترل انتقال برون‌مرزی مواد خطرناک و مصرف آنها (۱۹۸۹)<sup>۱۴</sup>.

حدود هفده قرارداد پسا پروتکل بین‌المللی مرتبط با محیط‌زیست و منابع طبیعی (از جمله قراردادهای فوق) وجود دارد که تذکر دولت فدرال استرالیا به دنبال عضویت در آنها و برحسب ضرورت کاربرد آنها در روابط خود با دولت‌های ایالتی، قوانین داخلی را از تصویب پارلمان خود گذرانده است.<sup>۱۵</sup>

قوانین مصوب پارلمان دولت فدرال در مورد پنج قرارداد مذکور به ترتیب عبارت است از: قانون حفظ مناطقی که میراث جهانی شناخته شده‌اند (۱۹۸۳)، قانون حمایت از حیات وحش - مقررات صادرات و واردات (۱۹۸۲)، قانون حفظ منابع جاندار دریایی قطب جنوب (۱۹۸۱)، قانون حمایت از لایه آزون (۱۹۸۹) و قانون مربوط به مواد خطرناک، مقررات صادرات و واردات (۱۹۸۹).

در مقابل، دولت‌های ایالتی استقلال کرده‌اند که در نظام فدرال، اصل بر آن است که قدرت قانونگذاری وسیعی به دولت‌های ایالتی واگذار شود و دولت فدرال صلاحیت قانونگذاری در برخی از موارد ویژه داشته باشد. آنها بیان می‌کنند که اگرچه

11. Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Flora and Fauna (1973).

12. Convention on the Conservation of Antarctic Marine Living Resources (1980).

13. Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer (1985).

14. Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes (1989).

۱۵. فهرستی از این قراردادها و قوانین دولت فدرال در مورد آنها در منبع شماره ۶، صفحات ۸۲ و ۸۴ درج شده است.



از قانون اساسی بر عهده دیوان عالی این کشور است و در عمل، تعارض‌های موجود میان دولت‌های فدرال و ایالتی از سوی این دیوان رسیدگی و حل و فصل قرار شده است. دیوان عالی استرالیا بالاترین مرجع قضایی در این کشور است که بر طبق قسمت (۱) ۷۶ قانون اساسی، یکی از صلاحیت‌هایش رسیدگی به اختلاف‌نظرهای دولت فدرال و دولت‌های ایالتی در تفسیر قانون اساسی است. از جمله این اختلاف‌نظرها، تعارض میان این دولت‌ها در زمینه مسائل زیست محیطی است. دیوان عالی استرالیا در چندین قضیه حقوقی میان دولت‌های فدرال و ایالتی، در موضوع مورد اختلاف صلاحیت راجع به تصمیم‌گیری در مسائل زیست محیطی را بحث کرده و به نقش دولت فدرال در اجرای وظایفش در چارچوب قانون اساسی - که به طور غیرمستقیم بر سیاست‌های زیست محیطی دولت‌های ایالتی تأثیر گذارده بوده است - اشاره کرده و چنین نقشی را تأکید نموده است.

رای دیوان عالی استرالیا در قضیه سد «تاسمانیا» (۱۹۸۳)، به صراحت نشان داد که بر خلاف تصور عده‌ای که دولت فدرال را دارای اختیار و صلاحیت سیاست‌گذاری در مورد محیط زیست و اداره منابع طبیعی نمی‌دانستند، برخی اختیارات تفویض شده به دولت فدرال بر اساس قسمت ۵۱ قانون اساسی می‌تواند جهت اجرای سیاست‌های دولت فدرال در ارتباط با محیط زیست و منابع طبیعی به کار آید.

که با وجود سطوح مختلف دولتی در نظام فدرال استرالیا، بروز تعارض و تنش میان آنها در مورد مسائل زیست محیطی و چگونگی استفاده از منابع طبیعی، اجتناب‌ناپذیر بوده است؛ زیرا سیاست‌های گوناگون و متنوعی از سوی دولت‌های مزبور در زمینه مسائل یادشده اتخاذ و اجرا شده است. طبیعی است در چنین نظامی، تعارض میان صلاحیت‌ها در مسائل زیست محیطی، اختلاف‌نظرهایی را میان سطوح مختلف دولتی به وجود آورده که نیازمند ارائه راه‌حل منطقی بوده است. چنین مسائلی این سؤال را همواره مطرح کرده است که در استرالیا چه مقام یا نهادی نقش تصمیم‌گیرنده در مورد محیط زیست و منابع طبیعی دارد؟ در عمل، مراکز تصمیم‌گیری متعددی در این باره ایفای نقش کرده است و تا سال‌های اخیر همکاری و اتفاق نظر اساسی میان دولت‌های فدرال و ایالتی در زمینه محیط زیست و منابع طبیعی وجود نداشته است و دولت‌های ایالتی در مواردی، منافع حاصل از عدم همکاری با دولت فدرال در ارتباط با معیارها و قواعد زیست محیطی را به پذیرش سیاست‌های زیست محیطی دولت فدرال ترجیح داده‌اند. این بدان دلیل بوده است که از نقطه نظر مالی و بودجه‌ای، محیط زیست و منابع طبیعی، قابلیت‌های اقتصادی را برای آنها در قالب محصولات کشاورزی و منابع جنگلی به همراه داشته و منبع درآمد قابل توجهی برای دولت‌های ایالتی بوده است.

در استرالیا مرجع حل اختلافات ناشی

## نگاه روز

میراث استرالیا (۱۹۷۵) و کمیسیون ارزیابی منابع طبیعی (۱۹۸۹)، بر اساس اختیارات دولت فدرال در چارچوب موضوعات مربوط به خدمات عمومی (قسمت ۲) (۵۲) استناد می‌شود.

همچنین قوانین دولت فدرال راجع به مناطق ساحلی (از جمله قانون حمایت از محیط زیست) عبارت است از: (منع) هدایت مواد آلوده‌کننده به دریا (۱۹۸۱)، قانون حمایت از دریا، منع آلودگی ناشی از کشتی‌ها (۱۹۸۳) و قانون بقایای کشتی‌های غرق شده با ارزش تاریخی (۱۹۷۶) می‌تواند بر اساس یکی از اختیارات رسیدگی به امور خارجی، حاکمیت دولت فدرال را در کنترل سرزمین‌های ساحلیش (قسمت ۱۲۲) توجیه کند.

علاوه بر این، از آنجا که بر اساس قسمت ۹۶ قانون اساسی، دولت فدرال می‌تواند کمک‌های مالی خود را به دولت‌های ایالتی - مشروط به هزینه آنها در زمینه‌های موردنظر دولت فدرال - ارائه کند. دولت فدرال قوانین زیر را با اهداف زیست‌محیطی تصویب کرده است: قانون محیط زیست - اعطای منابع مالی (۱۹۷۷) و قانون مدیریت منابع طبیعی - اعطای منابع مالی (۱۹۹۲).<sup>۱۶</sup> وضع قوانین گسترده راجع به محیط زیست و منابع طبیعی از سوی دولت‌های ایالتی سؤال شده و این موضوع مطرح

## ۲ - اختیارات دولت فدرال در اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی

اگرچه دولت فدرال به طور مستقیم، قدرت تصمیم‌گیری در مسائل زیست‌محیطی نداشته است، ولی از قدرت‌های دیگر خود در چارچوب قانون اساسی برای وصول به اهداف زیست‌محیطی استفاده کرده است.

دولت فدرال در چارچوب قسمت ۵۱ قانون اساسی، به منظور تحقق اهداف زیست‌محیطی از اختیارات زیر استفاده کرده است: امور مربوط به تجارت و بازرگانی (قسمت ۱) (۵۱)، امور خارجی (قسمت ۲۹) (۵۱)، شرکت‌های تجاری (قسمت ۲۰) (۵۱)، امور مالی و مالیاتی (قسمت‌های ۲) (۵۱) و (۱۲) (۵۱) و اشاره به قید حفظ حقوق مردم از هر نژاد (قسمت ۲۶) (۵۱). نمونه‌های دیگر قوانین زیست‌محیطی که دولت فدرال در چارچوب قانون اساسی و اختیارات داده شده وضع کرده، عبارت است از: قانون مقررات هسته‌ای راجع به حمایت از محیط زیست (۱۹۷۸) که در چارچوب اختیارات رسیدگی به امور تجاری و بازرگانی، شرکت‌های تجاری، امور دفاعی و حاکمیت دولت فدرال تدوین شده است، قانون منع استخراج منابع معدنی قطب جنوب (۱۹۹۱) که در قالب صلاحیت دولت فدرال در ارتباط با امور خارجی وضع شده است. همچنین اعتبار قوانین فدرال راجع به حمایت از محیط زیست (۱۹۷۴)، کمیسیون

۱۶. در زمینه قوانین مذکور از منبع شماره ۶، ص ۷۹ استفاده شده است.



که دولت فدرال یکی از اعضای قرارداد بین‌المللی حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان که از سوی سازمان آموزش، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ پذیرفته شده بود، محسوب می‌شود. این قرارداد، فهرستی از میراث فرهنگی و طبیعی جهان را دربرمی‌گیرد که باید مکان‌های فرهنگی و طبیعی شناخته و از سوی کمیته میراث جهانی<sup>۱۹</sup> حفاظت شوند.

بر اساس قراردادی میان دولت فدرال و دولت ایالتی «تاسمانیا»، دولت فدرال ناحیه وسیعی از حیات وحش واقع در جنوب غربی این منطقه را برای گنجاندن در فهرست میراث جهانی<sup>۲۰</sup> در نظر گرفت. این منطقه در فهرست مزبور با عنوان پارک‌های ملی حیات وحش «تاسمانیای» غربی (۱۹۸۲)<sup>۲۱</sup> ثبت شده است. ناحیه مزبور به دو دلیل برای درج در فهرست مزبور پذیرفته شد: یکی وجود حیات وحش و ارزش طبیعی آن و دیگری وجود مراکز تاریخی مربوط به بومیان استرالیا و استقرار انسان در نیمکره جنوبی که قدمتی ۲۰,۰۰۰ ساله دارد.<sup>۲۲</sup>

بر اساس قانون مزبور قرار بود سدی در

گردیده است که دولت فدرال ممکن است از اختیارات موجود در قسمت ۵۱ قانون اساسی برای توجیه دخالت خویش در سیاست‌های زیست‌محیطی دولت‌های ایالتی استفاده کند. از این رو، قضایای گوناگونی در دیوان عالی استرالیا در مورد صلاحیت دولت فدرال و دولت‌های ایالتی در وضع قوانین زیست‌محیطی مطرح شده است. نظر مساعد دیوان در زمینه صلاحیت دولت فدرال در ارتباط با محیط زیست، این برداشت را به وجود آورده است که دولت‌های ایالتی تنها مراجع صلاحیتدار برای وضع قوانین زیست‌محیطی نیست و دولت فدرال، دنبال‌کننده سیاست‌های ملی و بین‌المللی، صلاحیت اساسی در وضع قوانین زیست‌محیطی در چارچوب قانون اساسی دارد. در زیر به شرح اختیارات دولت فدرال در پیگیری اهداف زیست‌محیطی و برخی قضایای مطرح در دیوان عالی می‌پردازیم.

#### ۱-۲- اختیارات در امور خارجی

بر اساس قسمت (۲۹) ۵۱ قانون اساسی، دولت فدرال صلاحیت رسیدگی به امور خارجی را دارد در مورد ارتباط این صلاحیت با اختیارات دولت فدرال در تصویب قوانین مربوط به حفظ محیط زیست، قضیه سد «تاسمانیا»<sup>۱۷</sup> اهمیت زیادی دارد.

در سال ۱۹۸۲، دولت ایالتی «تاسمانیا»، طرح توسعه مرکز قدرت هیدرولیک رودخانه «گوردن»<sup>۱۸</sup> را به منظور تولید برق تصویب کرد. این قانون با سیاست زیست‌محیطی و تعهدات بین‌المللی دولت فدرال تعارض داشت و این بدان دلیل بود

17. The Commonwealth V. Tasmania (1983) 158 CLR (Commonwealth Law Reports); 46 ALR (Australian Law Reports) 625.
18. The Gordon River Hydro- Electric Power Development Act 1982 (Tasmania).
19. The World Heritage Committee.
20. The world Heritage List.
21. Western Tasmania Wilderness National Parks, (1982).
22. Howard, Colin, Australian Federal Constitutional Law, Third Edition, The Law Book Company Limited, Sydney, 1985, P.519

## نگاه ویژه

دربرندارد و در این شرایط آیا دولت فدرال صلاحیت تحمیل قوانین خود به دولت‌های ایالتی را دارد؟ دیوان عالی نیز رأی داد که قرارداد ۱۹۷۲، تعهدات حقوقی برای دولت‌ها به وجود آورده است تا مناطق زیست‌محیطی (و فرهنگی) پراهمیت جهانی را حمایت کند. بنابراین، دولت فدرال مختار است که قوانینی برای حمایت موقتی یک ناحیه - تا هنگام ثبت در لیست میراث جهانی - وضع کند. از این رو، دولت فدرال قدرت یافت تا از قطع درختان جنگل‌های جنوبی «تاسمانیا» تا تکمیل بررسی و ثبت در میراث جهانی، براساس قانون ۱۹۸۳ (اصلاحی) جلوگیری کند.

در همین مورد جنگل‌های بارانی واقع در شمال ایالت «کوئینزلند» نیز از سوی دولت فدرال یکی از مناطق طبیعی میراث جهانی در نظر گرفته شد تا از حمایت موقتی برخوردار شود. دولت ایالتی «کوئینزلند» این اقدام دولت فدرال را در دیوان عالی مطرح کرد و مورد سؤال قرار داد.<sup>۲۶</sup> دولت ایالتی «کوئینزلند» معتقد بود که جنگل‌های مزبور در قالب میراث طبیعی جهان قرار نگرفته است و دولت فدرال

این ناحیه ساخته شود که می‌توانست صدماتی به محیط زیست ناحیه مزبور و مراکز تاریخی آن وارد کند. برای توقف طرح ساخت سد مزبور، دولت فدرال قانون ۱۹۸۳ را راجع به حفظ اموال میراث جهانی<sup>۲۳</sup> وضع کرد. بر اساس قانون ۱۹۷۵ دولت فدرال، راجع به حفظ پارک‌های ملی و حیات وحش (قسمت ۶۹) و قانون ۱۹۸۳ (به ویژه قسمت ۹) و مقررات مربوطه، احداث سد بر روی رودخانه «گروذن» بدون رضایت وزیر مربوطه دولت فدرال (وزیر محیط زیست)، غیرقانونی بود. دولت فدرال بر این باور بود که قوانین مزبور بر اساس اختیاراتش در رسیدگی به امور خارجی، در صلاحیت دولت فدرال است.

این قضیه را دولت فدرال در دیوان عالی استرالیا و بر ضد دولت ایالتی «تاسمانیا» طرح کرد. دیوان عالی - که در حال حاضر هفت عضو دارد - با اکثریت چهار به سه اظهار عقیده کرد که قوانین مذکور دولت فدرال معتبر است و قانون ۱۹۸۲ «تاسمانیا» بر اساس قسمت ۱۰۹ قانون اساسی (تعارض قوانین دولت‌های ایالتی با قوانین دولت فدرال) اجرا شدنی نیست، مگر آن که رضایت دولت فدرال کسب شود.<sup>۲۴</sup>

همچنین در قضیه دیگری که در سال ۱۹۸۸ میلادی در دیوان عالی مطرح شد،<sup>۲۵</sup> این سؤال مطرح بود که حتی اگر صلاحیت دولت فدرال در تصویب قرارداد ۱۹۷۲ پذیرفته شود، قرارداد مزبور تعهداتی

23. World Heritage Properties Conservation Act 1983.

۲۴. منبع شماره ۲۳، صفحه ۵۲۰.

25. Richardson V. Forestry Commission (1988) 164 CLR261; 77 AIR 237 (The Tasmanian Forests Case).

26. Queensland V. Commonwealth (1988) 62 ALJR (Australian Law Journal Reports) 143.





چارچوب فعالیت‌های شرکت‌های خارجی، تجاری و مالی تدوین کند، حتی اگر هدف اصلی آن حمایت از محیط‌زیست و منابع طبیعی باشد.

## ۲-۳- اختیار رسیدگی به امور تجاری و بازرگانی

قسمت (۱) ۵۱ قانون اساسی استرالیا دولت فدرال را مجاز می‌داند تا قوانینی در مورد تجارت با کشورهای دیگر و نیز میان دولت‌های ایالتی وضع کند. این صلاحیت از نظر دستیابی به اهداف زیست‌محیطی دولت فدرال اهمیت زیادی دارد؛ زیرا عمده فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری از منابع طبیعی (مانند استفاده از منابع جنگلی، معادن، محصولات کشاورزی و منابع ماهی) به منظور صدور به خارج از استرالیا یا استفاده در معاملات میان دولت‌های ایالتی انجام می‌گیرد.

قدرت وضع قوانین راجع به تجارت و امور بازرگانی، این قدرت را به دولت فدرال می‌دهد تا صادرات و واردات کالا را منوط به تصویب خود کند و صدور مجوز کالاهای صادراتی را مشروط به رعایت قواعد زیست‌محیطی نماید. برای مثال صدور قاشقک‌های چوبی، تابع کنترل‌های زیست‌محیطی شده است. این قضا به سال ۱۹۷۶ میلادی در دیوان عالی استرالیا<sup>۲۷</sup> مطرح شد و این دیوان اظهار نظر کرد که تصمیم دولت فدرال در رد صدور مجوز برای صادرات ماسه‌های معدنی از «جزیره

نمی‌تواند چنین خصیصه‌ای را صرفاً با گذراندن قانونی به جنگل‌های مزبور بدهد. دیوان عالی اظهار عقیده کرد که موقعیت جنگل‌های مزبور نشان‌دهنده اهمیت آنها به عنوان میراث طبیعی جهان است و دولت فدرال بر اساس تعهد بین‌المللی باید از چنین منطقه‌ای حمایت لازم را به عمل آورد.

## ۲-۲- صلاحیت مربوط به شرکت‌های تجاری بر طبق قسمت (۲۰) ۵۱ قانون اساسی، به دولت فدرال صلاحیت و قدرت قانونگذاری درباره شرکت‌های خارجی، تجاری و مالی داده شده است.

اگرچه در قضیه سد «تاسمانیا»، دولت فدرال از اختیارات خود در ارتباط با امور خارجی استفاده کرد، این استدلال نیز مطرح شد که «کمیسیون هیدروالکترونیک تاسمانیا» برای فعالیت به صورت نهادی تجاری تأسیس شده است و دولت فدرال می‌تواند از اختیارات خویش در رسیدگی به امور شرکت‌های تجاری استفاده کند. در تفسیری که از قسمت (۲۰) ۵۱ قانون اساسی صورت گرفته است، قدرت دولت فدرال تنها به شرکت‌های تجاری محدود نمی‌شود و هر نهادی که وارد فعالیت‌های تجاری شود یا با این هدف به فعالیت بپردازد، در چارچوب صلاحیت دولت فدرال قرار می‌گیرد. چنین تفسیری، اختیارات گسترده‌ای در زمینه امور شرکت‌های تجاری یا شرکت‌هایی با اهداف تجاری به دولت فدرال می‌دهد تا از این اختیار برای اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی خود استفاده کند. بنابراین، دولت فدرال می‌تواند قوانینی را در

27. *Murphyores Inc. Pty. Ltd. v. Commonwealth* (1976) 136 CL.R.I.

## نگاه روز

آب - کمک مالی (۱۹۷۸) و قانون حفظ خاک - کمک مالی (۱۹۸۶).

### ۲-۵- اختیار در اخذ مالیات‌ها

بر اساس قسمت (۲) ۵۱ قانون اساسی، دولت فدرال می‌تواند مالیات‌های گوناگونی وضع کند. دولت فدرال نیز در پاره‌ای موارد از این اختیار برای ترغیب مردم به حفظ محیط زیست استفاده می‌کند. برای مثال دولت فدرال با در نظر گرفتن مالیات‌های قابل توجه برای محصولات که تولید آنها صدماتی به محیط زیست وارد می‌کند و در مقابل با در نظر گرفتن تخفیف‌های مالیاتی برای تولیداتی که آثار منفی در محیط زیست ندارد، زمینه حفاظت محیط‌زیست را فراهم کند. بدین ترتیب تولیدکنندگان برای گریز از پرداخت مالیات‌های سنگین، سعی در بهبود وضعیت تولید خود در ارتباط با محیط زیست کرده‌اند.

بنابراین، دولت فدرال از طریق ایجاد انگیزه‌های مالی، سعی در اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی خود کرده است. همچنین بر طبق قسمت (د) ۷۵ قانون ارزیابی مالیات بر درآمد (۱۹۳۶)، آن گروه از کارهایی که در زمینه جلوگیری از تخریب و فرسایش زمین‌ها و حفظ آنها صورت می‌گیرد، از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. این امر نشان می‌دهد فعالیت‌هایی که در مورد باحفظ و مدیریت منابع آب، جلوگیری از فرسایش خاک، کاشت درختان و حمایت

فریزر<sup>۲۸</sup>، بر پایه قواعد زیست‌محیطی و منافع اجتماعی صحیح بوده است. همچنین دولت فدرال می‌تواند از قدرت خود در زمینه تجارت میان دولت‌های ایالتی برای نیل به اهداف زیست‌محیطی استفاده کند. برای مثال دولت فدرال می‌تواند قدرت مزبور را برای حفظ منابع جانوری و گیاهی به کار برد و در این جهت محدودیت‌های لازم را در زمینه تجارت گونه‌های جانوری و گیاهی برای حمایت از آنها برقرار کند.

### ۲-۴- قدرت مربوط به اعطای کمک‌های مالی

به موجب قسمت ۹۶ قانون اساسی استرالیا، دولت فدرال می‌تواند اعطای کمک‌های مالی و ارائه وام به دولت‌های ایالتی را به اتخاذ اقداماتی خاص از سوی این دولت‌ها موکول کند. چنین اختیاری این توانایی را به دولت فدرال می‌دهد که نه تنها کمک‌های مالی را به طور انحصاری برای نیل به اهداف خاص زیست‌محیطی به دولت‌های ایالتی اعطا کند، بلکه اعطای کمک‌های مالی در موارد دیگر را نیز تحت ملاحظات زیست‌محیطی قرار دهد. در مورد همین هدف، منابع مالی برای اجرای طرح‌های مربوط به حفظ و بهبود کیفیت آب و هوا و خاک از طریق دولت فدرال، در دسترس دولت‌های ایالتی قرار گرفته و قوانینی به منظور تأمین مالی دولت‌های ایالتی برای نیل به اهداف مزبور از سوی دولت فدرال تصویب شده است. این قوانین عبارت است از: قانون منابع ملی



اختلاف پیدا کردند، در قضیه مطرح شده در دیوان عالی استرالیا در سال ۱۹۷۵<sup>۳۰</sup>، دیوان عالی به نفع حاکمیت دولت فدرال بر آب‌های سرزمینی نظر دارد. دولت فدرال و دولت‌های ایالتی با هم به توافق رسیدند تا اختیارات دولت‌های ایالتی بر آب‌های ساحلی تا حد سه مایل دریایی حفظ شود، به شرط آن‌که قدرت دولت فدرال در وضع قوانین در مورد آب‌های ساحلی حفظ شود و در صورتی که ناسازگاری میان قوانین دولت‌های ایالتی و دولت فدرال در زمینه آب‌های ساحلی مزبور وجود داشته باشد، قوانین دولت فدرال اعتبار دارد.

نمونه‌هایی از قوانین دولت فدرال در زمینه کنترل آلودگی آب‌های ساحلی و قانون حمایت از محیط زیست عبارت است از: (منع) هدایت مواد زاید به دریا (۱۹۸۱) و قانون حمایت از دریا و منع آلودگی ناشی از کشتی‌ها (۱۹۸۳ - قسمت ۹).

### ۳ - همکاری میان سطوح دولتی در مسائل زیست‌محیطی

در دهه‌های اخیر طرح اختلاف‌نظرهای میان دولت فدرال و دولت‌های ایالتی در زمینه مسائل زیست‌محیطی در دیوان عالی استرالیا، به رسمیت شناخته شدن صلاحیت‌های دولت فدرال درباره محیط‌زیست و منابع طبیعی منجر شد. در سال‌های اخیر برداشت جدیدی در میان

از گیاهان موجود، زدودن آفت‌ها و علف‌ها و بهبود وضعیت خاک صورت می‌گیرد، به دلیل برخورداری از آثار مثبت زیست‌محیطی، از پرداخت مالیات بر درآمد معاف‌اند.

### ۲-۶- قید «مردم از هر نژاد»

قسمت (۲۶) ۵۱ قانون اساسی استرالیا این اختیار را به دولت فدرال می‌دهد تا قوانینی را در مورد «مردمی از هر نژاد که برای آنها وضع قوانین لازم است»، تدوین کند. قسمت‌های ۸ و ۱۱ قانون حفظ اسوال میراث جهانی (۱۹۸۳)، با استناد به قید مزبور، حمایت لازم برای حفظ مکان‌های تاریخی و یادگارهای قدیمی و هنری مردم بومی استرالیا تأمین کرده است. این قانون<sup>۳۱</sup> در قضیه سده-تاسمانیا<sup>۳۲</sup> استناد شد تا ارزش‌های تاریخی مردم بومی این سرزمین که در منطقه‌ای طبیعی در جنوب غربی «تاسمانیا» قرار داشتند حفظ شود.

۲-۷- اختیارات مربوط به آب‌های ساحلی دولت‌های ایالتی به طور مستقیم صلاحیت‌های قانونگذاری و اجرایی در محدوده سه مایلی دریا از سواحل خود دارند. از آنجا که در حقوق بین‌الملل، مسئولیت اداره این مناطق، دریای سرزمینی، در صلاحیت دولت فدرال است، قانون دولت فدرال (۱۹۷۳)<sup>۳۰</sup> حاکمیت خود را بر آب‌های سرزمینی اعلام کرده و دولت‌های ایالتی را از صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد آنها منع کرده است. دولت‌های ایالتی در این قانون، که براساس آن صلاحیت دولت‌های ایالتی در حد خطوط مبدأ دریای سرزمینی پایان می‌یافت، از سوی دولت‌های ایالتی

۲۹. منبع شماره ۶ صفحه ۸۲.

30. Seas and Submerged Lands Act 1973.

31. New South Wales V. Commonwealth (1975) 8 ALR1.

## نگاه روز

نظریات مختلف دولتی راجع به مسائل زیست محیطی و حمایت بهتر از محیط زیست بود. همچنین دولت‌های ایالتی و محلی در مقابل پاسخ مثبت به ندای دولت فدرال برای انعقاد قرارداد مزبور، از دولت فدرال خواستار دادن نقش مشورتی به آنها در زمینه عضویت در هر قرارداد بین‌المللی راجع به محیط‌زیست شدند. بنابراین، دولت فدرال باید پیش از پیوستن به هر قرارداد بین‌المللی جدید زیست محیطی، با دولت‌های ایالتی و محلی مشورت کند و دیدگاه‌های آنها را در نظر بگیرد.

قرارداد ۱۹۹۲ یک طرح کلی و نه طرح ضمیمه دارد. طرح کلی مزبور شامل بیانیه‌هایی راجع به مسئولیت‌ها و منافع دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی درباره محیط زیست و برخی اصول کلی و خطوط راهنمایی در سیاست زیست محیطی است. طرح کلی شامل پنج بخش است: بخش اول آن به دامنه کاربرد، تفسیر و تعیین مفاهیم قرارداد می‌پردازد. بخش دوم ضمن تعیین نقش دولت‌های مزبور، قواعد پایه‌ای را مستقر می‌کند. بخش سوم دربرگیرنده اصولی است که دولت‌های مزبور را در زمینه توسعه سیاست‌های زیست محیطی راهنمایی می‌کند. بخش چهارم به چگونگی اجرا و کاربرد اصول مزبور می‌پردازد و در نهایت بخش پنجم به چگونگی مرور این

سطوح مختلف دولتی به وجود آمده است که تنها با همکاری و سیاست‌گذاری مشترک در زمینه محیط‌زیست و منابع طبیعی است که می‌توان ضمن داشتن محیط زیستی پایدار، بر توسعه مطلوب اقتصادی نیز دست یافت و در جهت حرکت بین‌المللی برای حمایت از محیط زیست جهانی گام برداشت. متعاقب این اتفاق نظر، دولت‌های فدرال و ایالتی و نماینده دولت‌های محلی استرالیا در تاریخ اول مه ۱۹۹۲ میلادی قراردادی موسوم به «قرارداد بین‌دولتی راجع به محیط زیست»<sup>۳۲</sup> امضا کردند. اگرچه تا قبل از امضای این قرارداد، زمینه‌های همکاری میان دولت‌های فدرال و ایالتی در زمینه‌های محیط زیست و منابع طبیعی وجود داشت، ولی انعقاد قرارداد مزبور نقطه عطفی در زمینه همکاری میان سطوح مختلف دولتی در استرالیا در چارچوب مسائل زیست محیطی و منابع طبیعی محسوب می‌شود.

### ۳-۱- قرارداد بین دولتی ۱۹۹۲ راجع به محیط زیست

در اول ماه مه ۱۹۹۲، قرارداد بین دولتی راجع به محیط‌زیست میان دولت فدرال، شش دولت ایالتی، دو دولت سرزمینی و انجمن دولت‌های محلی استرالیا منعقد شد. هدف از انعقاد این قرارداد ایجاد جو همکاری میان سطوح مختلف دولتی در مورد محیط زیست، تعیین نقش سطوح دولتی درباره محیط زیست، کاهش اختلاف

32. Intergovernmental Agreement on the Environment (1992).



قرارداد در هر دوره سه ساله بر اساس گزارشی که تهیه خواهد شد، اشاره می‌کند. نه طرح ضمیمه که به طور تشریحی، موافقت‌های صورت گرفته را در زمینه برخی جنبه‌های ویژه مربوط به محیط زیست دربرمی‌گیرد، عبارت است از:

الف - جمع‌آوری اطلاعات زیست‌محیطی و انتقال آنها، ب - ارزیابی منابع طبیعی، تصمیمات راجع به چگونگی استفاده از زمین‌ها و فرایندهای پذیرش توسعه، ج - ارزیابی تأثیرات طرح‌های توسعه‌ای بر محیط زیست، اقتصاد، امور اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی، د - اقدامات ملی حمایت از محیط زیست، ه - تغییرات اقلیمی، و - تنوع بیولوژیکی، ز - اموال طبیعی ملی، ح - میراث جهانی، ط - حفاظت از طبیعت.

قرارداد بین‌دولتی ۱۹۹۲ در واقع نشانه‌ای پذیرش دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی برای حرکت به سوی یک نظام همکاری در حمایت از محیط زیست و اتخاذ سیاست‌های مشترک زیست‌محیطی است. این قرارداد نشان می‌دهد که سطوح مختلف دولتی به این نتیجه رسیده‌اند که نظام همکاری در مورد محیط زیست و منابع طبیعی، بر ادامهٔ تعارض‌ها برتری دارد. همچنین استدلال می‌شود که انعقاد قرارداد مزبور دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی را به همکاری بایکدیگر برای دستیابی به سیاست یکسانی راجع به محیط زیست و منابع طبیعی ملزم و متعهد کرده است. به هر حال در مورد ارزش حقوقی قرارداد مزبور این سؤال مطرح بوده است که آیا امضای قرارداد

بین‌دولتی توسط دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی (نمایندهٔ دولت‌های محلی استرالیا) تعهدات حقوقی برای آنها به وجود آورده و آیا قرارداد مزبور از نظر حقوقی برای آنها الزام‌آور است یا صرفاً از نظر سیاسی ارزش دارد و بار حقوقی به همراه ندارد؟<sup>۳۳</sup>

اگرچه اختلاف‌نظرهایی در این مورد وجود دارد، اما به نظر می‌رسد که دولت‌های مزبور در اجرای این قرارداد با مشکلات جدی روبه‌رو نخواهند شد. در حال حاضر نمونه‌هایی از اجرای بخش‌هایی از قرارداد مزبور به چشم می‌خورد. یکی از این نمونه‌ها استقرار شورای ملی حمایت از محیط زیست در استرالیا است که در چارچوب اجرای طرح ۴ قرارداد بین‌دولتی ۱۹۹۲ اجرا شده است. همچنین به دنبال انعقاد قرارداد مزبور دولت فدرال ادارهٔ حمایت از محیط زیست<sup>۳۴</sup> را تأسیس کرد تا با همکاری دولت‌های ایالتی و محلی، سیاست‌های ملی راجع به محیط زیست را در حوزهٔ صلاحیت این دولت‌ها توسعه دهد و اجرا کند.

۳۳. تا کنون دیوان عالی استرالیا اظهار نظر صریحی در مورد ارزش حقوقی یا سیاسی قراردادهای موجود میان دولت فدرال و دولت‌های ایالتی ابراز نکرده است. در قضیه South Australia V. Commonwealth (1962-1963 CLR 1301). دیوان عالی به این سؤال نپرداخت که آیا این‌گونه قراردادها موجب روابط حقوقی الزام‌آوری است یا خیر. به هر حال این نظر بیان شد که قراردادهایی که شبیه قراردادهای میان اشخاص به موجب حقوق خصوصی است، می‌تواند الزام حقوقی داشته باشد ولی قرارداد بین‌دولتی ۱۹۹۲ جزو قراردادهای دولتی است و از این نظر الزام حقوقی ندارد، بلکه ضمانت‌اجرائی آن با فشارهای سیاسی است.

Ramsay, Ross and Gerald. Rowe, Environmental law and Policy in Australia - Text and Materials, Butte: worths, Sydney, 1993, P.304.  
34. The Environment protection Agency.

## نگاه ویژه

زندگی می‌کنند، بهره‌برند و ب-تصمیمات گرفته شده از سوی جامعه بازرگانی و صنعتی در اثر تغییرات ناشی از مراکز صلاحیتدار تصمیم‌گیرنده در مورد پذیرش یا اجرای اقدامات عمده حمایت از محیط زیست دچار اختلال نشده است و بازار محصولات نیز در اثر تغییرات مزبور دچار اغتشاش نمی‌شود.

این امر نشان می‌دهد که شورای ملی حمایت از محیط زیست نه تنها به جنبه زیست‌محیطی اقداماتی که اتخاذ می‌کند توجه دارد بلکه به جنبه‌هایی نظیر تأثیرات تصمیماتش بر توسعه اقتصادی نیز توجه می‌کند. در واقع این موضوع بیانگر همان مفهوم توسعه پایدار یا به بیان دولت فدرال استرالیا «توسعه پایدار اکولوژیکی» است که همه سطوح مختلف دولتی در استرالیا پذیرفته‌اند. وظیفه اساسی شورای مزبور تعیین اقدامات ملی جهت حمایت از محیط‌زیست است و شامل اهداف، خطوط راهنما، استانداردها و روش‌های ارزیابی نتایج مطلوب زیست‌محیطی می‌شود. این شورا اقدامات مزبور را در زمینه‌هایی چون کیفیت آب و هوا، آلودگی صوتی، اثرات زیست‌محیطی مواد خطرناک، گازهای خروجی از وسایل نقلیه و موضوع به کارگیری دوباره مواد قابل استفاده اتخاذ می‌کند.

شورای ملی حمایت از محیط زیست از

۲-۳- شورای ملی حمایت از محیط‌زیست در جهت اجرای طرح ۴ قرارداد بین دولتی ۱۹۹۲، دولت‌های ایالتی و فدرال پذیرفتند که قانون مشابهی برای استقرار نهادی که در زمینه اقدامات ملی حمایت از محیط‌زیست تصمیم‌گیری کند، وضع کنند. در حال حاضر به جز دولت ایالتی استرالیای غربی، دولت‌های دیگر ایالتی قوانین مشابهی با قانون دولت فدرال، یعنی قانون شورای ملی حمایت از محیط زیست (۱۹۹۴) را پذیرفته‌اند. به نظر می‌رسد که دولت ایالت استرالیای غربی نیز در آینده نزدیک قانون مربوطه خود را تصویب کند و به شورای ملی حمایت از محیط زیست بپیوندد.

تأسیس این شورا تحولی در تاریخ حمایت از محیط زیست در استرالیا محسوب می‌شود، به ویژه آن‌که نشان‌دهنده تعهد دولت‌های فدرال و ایالتی در توسعه اقدامات ملی حمایت از محیط زیست براساس حس همکاری است. هدف از استقرار شورای ملی حمایت از محیط زیست به خوبی در قسمت ۳ از بخش اول قانون ۱۹۹۴ دولت فدرال دیده می‌شود. این قسمت بیان می‌کند: «هدف از این قانون آن است که با استقرار و به مرحله عمل رسیدن شورای ملی حمایت از محیط زیست، این اطمینان حاصل شود که: الف- مردم استرالیا از حمایت یکسان از هوا، آب یا خاک در مقابل آلودگی زیست‌محیطی و آلودگی صوتی در هر کجای سرزمین استرالیا که

وزرای دولت‌های ایالتی و وزیر محیط زیست دولت فدرال، رئیس شورا، و نماینده دولت‌های محلی استرالیا (به عنوان ناظر) تشکیل می‌شود. تصمیمات شورا با اکثریت دو سوم آرا اتخاذ می‌شود و وزیر حاضر از سوی دولت فدرال فقط در صورت تساوی آرا حق رأی دارد. تصمیمات شورا در پارلمان دولت فدرال رد شدنی است. شورا کمیته‌ای نیز دارد که مقام مشورتی برای شورا دارد. هر وزیر دولت فدرال و دولت‌های ایالتی نماینده‌ای برای عضویت کمیته مزبور انتخاب می‌کند. دبیرخانه‌ای نیز از سوی دولت فدرال برای شورا در نظر گرفته شده است. همچنین یک شرکت خدماتی به عنوان بازوی توسعه و تأمین منابع مالی شورا عمل می‌کند که یک مأموری اجرایی و تعدادی کارمند آن را اداره می‌کنند. مأمور اجرایی مزبور مسئول شرکت خدماتی از سوی شورا برای این سمت است. شورا در اتخاذ اقدامات ملی برای حمایت از محیط زیست به نظر کمیته مشورتی خود، آرای عمومی و بیانیه‌های ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از اجرای اقدامات زیست‌محیطی مورد نظر توجه می‌کند. چنین موضوعی نشان‌دهنده اجرای سیاست توسعه پایدار اکولوژیکی در حکومت فدرال استرالیا است که با موافقت دولت‌های ایالتی و محلی نیز روبه‌رو شده است.

منظور از توسعه پایدار چیست؟ در حال حاضر اگرچه در میان کشورها درک مشترکی نسبت به توسعه پایدار وجود دارد، ولی تعریف جامعی که پذیرفته همه کشورها باشد و در

همه کشورها به یک صورت اجرا شود دیده نمی‌شود. در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه<sup>۳۶</sup> که سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۳ میلادی تشکیل داد، توسعه پایدار بدین صورت تعریف شد: «توسعه‌ای که نیازهای نسل‌های حاضر را برآورده سازد درحالی که توانایی‌های نسل‌های آینده را در تأمین نیازهایش به خطر نیندازد.»<sup>۳۷</sup> براساس اصل ۲ اعلامیه ریو<sup>۳۸</sup> (پذیرفته شده در ژوئن ۱۹۹۲)، «حق توسعه باید به گونه‌ای اجرا شود که نیازهای توسعه و زیست محیطی نسل‌های حاضر و آینده را به طور یکسان تأمین کند.» از این اصل چنین برمی‌آید که توسعه اقتصادی باید در حالی شکل بگیرد که منجر به صدمه جبران‌ناپذیر به طبیعت نشود و به عبارتی توازنی میان توسعه اقتصادی و حمایت از محیط زیست برقرار شود تا ضمن افزایش سطح کیفی زندگی بشر، محیط زیست و طبیعت که لازمه زندگی سالم انسانی است، در معرض خطر قرار نگیرد.

چنین مفهومی به خوبی در اصل ۴ «اعلامیه ریو» دیده می‌شود: «به منظور دستیابی به توسعه پایدار، حمایت از محیط زیست جزئی جدانشدنی از فرایند توسعه است و جدای از آن نمی‌تواند در نظر گرفته شود.» مفهوم توسعه پایدار اکولوژیکی را دولت فدرال استرالیا در سال ۱۹۹۰ میلادی

36. The World Commission on Environment and Development.

37. Our Common Future, World Commission on Environment and Development, Oxford University Press, Oxford, 1980, P. 87.

38. Rio Declaration.

این‌گونه مشکلات در بسیاری از موارد با رجوع قضایای مورد اختلاف به دیوان عالی استرالیا حل شده است. با این وجود، شکل و کیفیت نظام فدرالی موجود در استرالیا پاسخگوی کامل مسائل زیست‌محیطی در چارچوب‌های ملی و بین‌المللی نبوده است. برای حل این معضل، سطوح مختلف دولتی به این درک رسیده‌اند که تنها راه باقیمانده برای دستیابی به نظامی یکسان و مشترک در حمایت از محیط زیست و مدیریت صحیح منابع طبیعی، همکاری نزدیک و جامع میان این دولت‌ها و حرکت از واگرایی به سوی همگرایی است. بدین منظور حرکت‌های جزئی که در سال‌های اخیر و در جهت نظام همکاری صورت گرفته است، با انعقاد قرارداد ۱۹۹۲ بین دولتی راجع به محیط‌زیست، سیر تکاملی به خود گرفته و با تأسیس شورای ملی حمایت از محیط‌زیست در سال ۱۹۹۵ میلادی، گامی دیگر در جهت مراکز متعدد تصمیم‌گیری درباره مسائل زیست‌محیطی و منابع طبیعی برداشته است تا استرالیا سیاست‌های مشترک و واحد زیست‌محیطی را در چارچوب‌های ملی و جهانی دنبال کند. به هر حال، در عمل باید مشاهده کرد که حرکت‌های جدید در استرالیا چه نتایج عملی در پی خواهد داشت.

□ □ □

به صورت ذیل مطرح کرد: «استفاده، حفاظت و ارتقای منابع طبیعی در دسترس جامعه به گونه‌ای که فرایندهای اکولوژیکی، که حیات به ادامه آنها بستگی دارد، حفظ شود و کیفیت کلی زندگی انسان، چه در زمان حاضر و چه در آینده، می‌تواند روند افزایشی داشته باشد.»<sup>۳۹</sup>

در چارچوب همین مفهوم است که شورای ملی حمایت از محیط زیست - که اولین اجلاس خود را در اکتبر ۱۹۹۵ میلادی در «پرت»<sup>۴۰</sup> (مرکز استرالیا غربی) برگزار کرد - در جهت تعیین اقدامات ملی حمایت از محیط زیست گام برمی‌دارد.

### ۴- نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که نظام فدرال استرالیا سال‌ها مسائلی را در مورد حمایت از محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی تجربه کرده است. ریشه اصلی این مسائل تا حدود زیادی به عدم تصریح قانون اساسی استرالیا در مورد منبع تصمیم‌گیرنده در زمینه مسائل زیست‌محیطی و منابع طبیعی بازمی‌گردد. به دلیل وجود مسئولیت‌های گوناگون و به تبع ماهیت دولت‌های فدرالی و ایالتی، هر یک از این دولت‌ها در جهت اجرای سیاست‌های خود درباره محیط زیست و منابع طبیعی اقدام کرده‌اند. گاهی صلاحیت‌ها منطبق شده‌اند و گاهی تعارض صلاحیت‌ها پیش آمده است. به هر حال

39. National Strategy for Ecologically Sustainable Development, Australian Government Publishing Service, Canberra, December 1992, p.6.  
40. Perth